

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه علامه طباطبائی  
دانشکده مدیریت و حسابداری

رساله دکتری رشته مدیریت دولتی

# الگوی ملت‌سازی در پرتوی حکمرانی خوب

نگارش

غزاله طاهری عطار

استاد راهنما

دکتر علی اصغر پورعزت

استادان مشاور

دکتر ابراهیم برزگر

دکتر سید حسین ابطحی

استادان داور

دکتر شمس السادات زاهدی

دکتر علی اکبر فرهنگی

زمستان ۱۳۸۹

تقدیم به همه کسانی که قلب شان برای حفظ وحدت همه اقوام شکل دهنده ایران اسلامی،  
آزاد، آباد، مستقل و مقدر در قالب یک ملت خردمندمی تپد.

## تقدیر و تشکر

ایزدمنان را شاگردم که به من توفیق داد در مسیر مقدس علم و پژوهش گام نهم، مسیری که طی طریق در آن بدون الطاف و عنایات پروردگارم و دعای خیر عزیزانم مقدور نبود. از این رو، بر خود واجب می‌دانم از محضر همه بزرگوارانی که قدم نهادن در این مسیر، بدون کمک و توجه‌شان میسر نبوده است، نهایت تشکر و سپاس را داشته باشم:

جناب آقای دکتر علی اصغر پورعزت که در سمت راهنمای این رساله همواره بنده را از رهنمودهای گرانقدرشان بهره‌مند ساخته‌اند؛

جناب آقایان دکتر سید حسین ابطحی و دکتر ابراهیم برزگر که در سمت مشاوران این رساله افتخار استفاده و بهره‌مندی از محضرشان را داشته‌ام؛

جناب آقای دکتر علی اکبر فرهنگی و سرکار خانم دکتر شمس السادات زاهدی که در سمت ناظر این رساله قبول زحمت فرموده، و در نهایت بزرگواری کمال همکاری را با بنده داشته‌اند؛

جناب آقایان دکتر عبدالعلی قوام، دکتر افشین زرگر، و دکتر سیروس علیدوستی که رهنمودها و نکات اصلاحی‌شان موجب دلگرمی بسیار بنده شد؛

همچنین بر خود واجب می‌دانم که نهایت سپاس و تشکر را از پدر و مادر عزیز و گرامی‌ام داشته باشم که همواره وامدار و مدیون محبت‌های بی‌دریغ‌شان بوده و هستم.

## چکیده

در طول تاریخ، ملت‌های بسیاری شکل گرفته‌اند؛ ملت‌هایی با مشخصه‌های گوناگون که گاه با تکیه بر ویژگی‌های مطلوب خویش رهنمای نسل‌های آینده شده و جوامع پس از خود را شکل داده‌اند و گاهی در قالب مللی فاقد تشکل و کم بهره از خردجمعی، به دلیل ضعف مدیریت و سوء تدبیر منقرض شده، از اذهان و یادها محو شده و به تاریخ پیوسته‌اند. بنابراین سؤالی شکل می‌گیرد مبنی بر اینکه «چه عوامل و الزاماتی موجب می‌گردد که ملتی واحد و خردمند شکل گرفته و تداوم یابد؟».

در پژوهش حاضر، با هدف پاسخ به پرسش فوق، تلاش شد با تحلیل نگاشته‌شده‌ها در حوزه ملت‌سازی و حکمرانی خوب با استفاده از روش نظریه‌پردازی داده بنیاد و تحلیل محتوا، عوامل موجد ملت و راهبردهای تداوم بخش موجودیت آن بازشناسی شوند، و بدین ترتیب الگویی متشکل از سه جزء شکل گرفت. الزامات آغازگر ملت‌سازی (هویت ملی عام و خاص)، راهبردهای تداوم بخش فراگرد ملت‌سازی (عدالت اجتماعی، کارآمدی حکومت، شهروندی، جامعه‌پذیری سیاسی)، و پیامدهای حاصل از تداوم موجودیت ملت و فراگرد ملت‌سازی (انسجام و یکپارچگی ملی، اعتماد عمومی، صلح پایدار، توسعه متوازن و پایدار، مشروعیت ملی و فراملی). پس از طراحی الگوی «ملت‌سازی در پرتو رویکرد حکمرانی خوب»، مدل به منظور ارزیابی، تعدیل و اصلاح در اختیار خبرگان قرار گرفت، و پس از دو دور دلفی مدل اصلاح شده و بازطراحی شد.

در مرحله پایانی، وضعیت ملت‌سازی در ایران بر اساس مدل پژوهش، مورد بررسی قرار گرفت. نتایج حاصل از مرحله آسیب شناسی نشانگر آنند که مهمترین مؤلفه در شکل‌گیری ملت ایران، سرزمین مشترک و پس از آن به ترتیب باورهای مشترک، ارزش‌های مشترک، مذهب مشترک، دشمن مشترک، تاریخ مشترک، زبان رسمی مشترک، رهبری ملت‌گرا، و آداب و رسوم مشترک قرار دارند. از میان راهبردهای تداوم بخش موجودیت ملت ایران، حفظ تمامیت ارضی به منزله اولی‌ترین راهبرد، و پس از آن به ترتیب تسهیم قدرت، استقلال ملی، عدالت میان قومی، و ارتش ملی و مردمی قرار دارند. در بخش پیامدها نیز انسجام و یکپارچگی ملی به مثابه مهمترین و محتمل‌ترین پیامد بازشناسی شد. ضمن اینکه توزیع ناعادلانه فرصت‌های اجتماعی، و پس از آن به ترتیب رقابت مخرب گروه‌های سیاسی، تمرکزگرایی قدرت، توزیع ناعادلانه فرصت‌های علمی، شکاف میان نخبگان سیاسی و توده مردم، و شکاف طبقاتی میان فقیر و غنی به مثابه چالش‌برانگیزترین مؤلفه‌های حفظ تداوم فراگرد ملت‌سازی در ایران شناسایی شدند.

## فهرست مطالب

صفحه

عنوان

چکیده

### فصل اول : کلیات ..... ۱

۱-۱. مقدمه ..... ۲

۲-۱. بیان مسأله ..... ۲

۳-۱. تشریح و بیان موضوع ..... ۳

حکمرانی خوب ..... ۹

۴-۱. بازبینی مسأله ..... ۱۱

۵-۱. ضرورت و اهمیت موضوع ..... ۱۱

۶-۱. فرضیه‌ها (سؤالات) ..... ۱۵

۷-۱. اهداف اساسی تحقیق ..... ۱۵

۸-۱. مدل مفهومی پژوهش ..... ۱۶

۹-۱. نوع پژوهش ..... ۱۶

۱۰-۱. روش‌شناسی پژوهش ..... ۱۷

۱۱-۱. ابزار گردآوری اطلاعات ..... ۱۷

۱۲-۱. جامعه آماری، روش نمونه‌گیری و اندازه نمونه ..... ۱۷

۱۳-۱. روش‌های تجزیه و تحلیل داده‌ها ..... ۱۸

۱۴-۱. مشکلات و تنگناهای پژوهش ..... ۱۸

۱۵-۱. تعریف مفاهیم، واژگان و اصطلاحات اختصاصی طرح ..... ۱۹

۱۶-۱. بررسی مطالعات پیشین ..... ۲۱

۱-۱۶-۱. ملت‌سازی ..... ۲۱

۲-۱۶-۱. حکمرانی خوب ..... ۲۴

### فصل دوم : مبانی نظری ..... ۲۲

۱-۲. مقدمه ..... ۲۸

گفتار نخست ..... ۲۹

۲-۲. نگاهی گذرا بر مفاهیم ملت و دولت - ملت ..... ۲۹

۳-۲. تحلیل واژگان امت و ملت ..... ۳۳

۴-۲. نظریه‌های چهارگانه مبادی شکل‌گیری ملت ..... ۳۵

۱-۴-۲. نظریه‌های ملی‌گرا ..... ۳۶

۲-۴-۲. نظریه‌های دیرینه‌گرا ..... ۳۶

۳۸	..... نظریه‌های نوگرا (۳-۴-۲)
۳۹	..... نظریه‌های فرانوگرا (۴-۴-۲)
۳۹	..... ۵-۲. ملت‌سازی در مقابل دولت‌سازی
۴۲	..... ۶-۲. سیر تطور نظریه‌پردازی در حوزه ملت‌سازی
۴۷	..... ۷-۲. مؤلفه‌های ملت‌ساز
۴۸	..... ۱-۷-۲. هویت ملی
۵۳	..... ۲-۷-۲. همبستگی و انسجام ملی
۵۹	..... ۳-۷-۲. ملی‌گرایی
۶۶	..... ۴-۷-۲. قومیت
۷۴	..... ۵-۷-۲. شهروندی
۷۸	..... ۶-۷-۲. جامعه‌پذیری سیاسی
۸۳	..... ۸-۲. ملت‌سازی و رهبری معنوی
۸۳	..... ۱-۸-۲. ملت‌سازی در سنت رسول الله
۸۷	..... ۲-۸-۲. حکومت امام علی، مظهر سنت نبوی و خرد معنوی در ملت‌سازی
۸۹	..... ۳-۸-۲. امام خمینی، و ملت‌سازی در قرن بیستم
۹۸	..... ۹-۲. رویکردی نهادگرایانه به ملت‌سازی
۱۰۱	..... ۱۰-۲. ملت‌سازی در کانون مطالعات میان‌رشته‌ای
۱۱۰	..... <b>گفتار دوم</b>
۱۱۰	..... ۱۱-۲. رصد سیر تحول و تطور رویکردهای اداره دولت و حکومت
۱۱۰	..... ۱-۱۱-۲. اداره امور دولتی نوین
۱۱۱	..... ۲-۱۱-۲. مدیریت دولتی نوین
۱۱۳	..... ۳-۱۱-۲. بازآفرینی حکومت (حکومت کارآفرین)
۱۱۴	..... ۴-۱۱-۲. خدمات دولتی نوین
۱۱۶	..... ۵-۱۱-۲. حکومت الکترونیک
۱۱۹	..... <b>گفتار سوم</b>
۱۱۹	..... ۱۲-۲. حکمرانی خوب
۱۱۹	..... ۱۳-۲. ریشه‌های تاریخی و نظری حکمرانی خوب
۱۲۳	..... ۱۴-۲. جاذبه‌های سه‌گانه حکمرانی خوب
۱۲۴	..... ۱۵-۲. مفهوم و تعاریف حکمرانی خوب
۱۲۷	..... ۱۶-۲. شاخص‌ها و مؤلفه‌های حکمرانی خوب
۱۳۰	..... ۱۷-۲. مدل مفهومی برخاسته از مرور ادبیات

۱۳۵	فصل سوم: روش‌شناسی تحقیق
۱۳۶	۱-۳. مقدمه
۱۳۶	۲-۳. نوع پژوهش
۱۳۸	۳-۳. روش‌شناسی پژوهش
۱۴۲	۱-۳-۳. نظریه‌پردازی داده‌بنیاد
۱۴۵	۲-۳-۳. تحلیل محتوا
۱۵۰	۳-۳-۳. دلفی
۱۵۹	۴-۳. ابزار گردآوری داده‌ها
۱۶۰	۵-۳. پایایی و روایی ابزارهای اندازه‌گیری
۱۶۲	۶-۳. جامعه و نمونه آماری
۱۶۳	۷-۳. روش‌های تجزیه و تحلیل داده‌ها
۱۶۷	۸-۳. فراگرد انجام پژوهش
۱۶۹	فصل چهارم: تجزیه و تحلیل داده‌ها
۱۷۰	۱-۴. مقدمه
۱۷۰	۲-۴. گردآوری اطلاعات
۱۷۱	۳-۴. تحلیل اطلاعات
۱۷۲	۱-۳-۴. کدگذاری باز
۱۸۵	۲-۳-۴. کدگذاری محوری
۱۸۸	۳-۳-۴. تحلیل محتوای منابع پراجاع برای احصاء شاخص‌های حکمرانی خوب
۱۹۰	۴-۳-۴. روایت تحقیق
۱۹۳	۴-۴. ارزیابی و اصلاح مدل با استفاده از روش دلفی
۱۹۷	۱-۴-۴. فراگرد اجرای دلفی
۱۹۹	۲-۴-۴. یافته‌های حاصل از دلفی
۱۹۹	۱-۲-۴-۴. دور اول دلفی
۲۰۴	۲-۲-۴-۴. اصلاحات اعمال شده بر اساس پیشنهاد خبرگان
۲۰۶	۳-۲-۴-۴. جمع‌بندی دور اول دلفی
۲۰۸	۴-۲-۴-۴. دور دوم دلفی
۲۱۱	۵-۲-۴-۴. حصول به اتفاق نظر در دلفی و خاتمه
۲۱۴	۵-۴. سنجش وضعیت ملت‌سازی در ایران
۲۱۵	۱-۵-۴. تحلیل نتایج پرسشنامه تحلیل وضعیت ملت‌سازی در ایران
۲۱۵	۱-۱-۵-۴. وضعیت نرمال بودن متغیرهای پژوهش



۲۲۰ ..... ۲-۱-۵-۴. آزمون علامت

۲۲۵ ..... ۳-۱-۵-۴. آزمون تحلیل واریانس فریدمن

**فصل پنجم: نتیجه‌گیری و پیشنهادات ..... ۲۳۲**

۲۳۳ ..... ۱-۵. مقدمه

۲۳۳ ..... ۲-۵. مینیاتوری از فراگرد پژوهش (خلاصه یافته‌ها)

۲۳۸ ..... ۳-۵. ملت‌سازی خوب و پایدار ره آورد ملت‌سازی در پرتو رویکرد حکمرانی خوب

۲۴۴ ..... ۴-۵. ملت‌سازی، هویت و ملیت در ایران

۲۵۱ ..... ۵-۵. دستاوردهای پژوهش

۲۵۲ ..... ۶-۵. پیشنهادها و موضوعات قابل طرح برای نهادهای متولی و پژوهشگران

۲۵۲ ..... ۱-۶-۵. پیشنهادهای کاربردی برای اداره دولت

۲۵۳ ..... ۲-۶-۵. پیشنهادهایی برای دانشجویان و پژوهشگران

**منابع و مأخذ ..... ۲۵۴**

۲۷۷ ..... **پیوست اول**

۲۸۳ ..... **پیوست دوم**

۲۸۹ ..... **پیوست سوم**

## فهرست جداول

عنوان	صفحه
جدول ۱-۲. چهار نظریه اساسی ریشه‌های ملت .....	۳۶
جدول ۲-۲. طبقه‌بندی دوردویچ از رویکردهای نظری هویت ملی .....	۵۰
جدول ۳-۲. طبقه‌بندی اسمیت از رویکردهای نظری هویت ملی .....	۵۰
جدول ۴-۲. مدل چند سطحی هویت ملی بلامی .....	۵۳
جدول ۵-۲. دوگانگی ملی‌گرایی قومی (سیاسی) و مدنی (فرهنگی) .....	۶۳
جدول ۶-۲. سه رویکرد اساسی برای درک قومیت .....	۶۹
جدول ۱-۳. تفسیر مقادیر گوناگون ضریب هماهنگی کندال .....	۱۵۶
جدول ۱-۴. نمونه کدگذاری باز مقالات .....	۱۷۳
جدول ۲-۴. مفاهیم استخراج شده طی کدگذاری باز .....	۱۷۴
جدول ۳-۴. مقوله‌بندی مفاهیم همخوان .....	۱۸۶
جدول ۴-۴. تأثیر مقوله‌ها بر یکدیگر .....	۱۸۸
جدول ۵-۴. مفاهیم و شاخص‌های حکمرانی خوب احصاء شده طی فراگرد تحلیل محتوا .....	۱۸۸
جدول ۶-۴. شاخص‌های حکمرانی خوب .....	۱۹۰
جدول ۷-۴. پراکندگی حوزه تخصصی و مطالعاتی خبرگان مورد مراجعه .....	۱۹۶
جدول ۸-۴. تاریخ توزیع و گردآوری پرسشنامه‌های دلفی .....	۱۹۷
جدول ۹-۴. نتایج تحلیل امتیازات داده شده به مولفه‌های موجد (الزامات) ملت‌سازی در دور اول دلفی .....	۲۰۰
جدول ۱۰-۴. نتایج تحلیل امتیازات استراتژی‌های استمرار فراگرد ملت‌سازی در دور اول دلفی .....	۲۰۱
جدول ۱۱-۴. نتایج تحلیل امتیازات داده شده به پیامدهای ملت‌سازی در دور اول دلفی .....	۲۰۲
جدول ۱۲-۴. خلاصه آرای صاحب‌نظران درباره مدل مورد نظر محقق در دور اول دلفی .....	۲۰۲
جدول ۱۳-۴. پیشنهادهای اصلاحات مطرح شده توسط اعضای پانل .....	۲۰۳
جدول ۱۴-۴. تحلیل نتایج حاصل از دور دوم دلفی (الزامات آغازین فراگرد ملت‌سازی) .....	۲۰۸
جدول ۱۵-۴. تحلیل نتایج حاصل از دور دوم دلفی (راهبردهای تداوم بخش ملت‌سازی) .....	۲۰۹
جدول ۱۶-۴. تحلیل نتایج حاصل از دور دوم دلفی (پیامدهای فراگرد ملت‌سازی) .....	۲۱۰
جدول ۱۷-۴. خلاصه آرای صاحب‌نظران درباره مدل مورد نظر محقق در دور دوم دلفی .....	۲۱۱
جدول ۱۸-۴. ضریب هماهنگی کندال در دور دوم دلفی .....	۲۱۴
جدول ۱۹-۴. پراکندگی خبرگان مورد مراجعه در سنجش وضع موجود .....	۲۱۵
جدول ۲۰-۴. بررسی وضعیت نرمال بودن مؤلفه‌های آغازگر فراگرد ملت‌سازی .....	۲۱۶

- جدول ۴-۲۱. بررسی وضعیت نرمال بودن راهبردهای تداوم بخش فراگرد ملت‌سازی..... ۲۱۷
- جدول ۴-۲۲. بررسی وضعیت نرمال بودن پیامدهای فراگرد ملت‌سازی..... ۲۱۸
- جدول ۴-۲۳. بررسی وضعیت نرمال بودن چالش‌های فراگرد ملت‌سازی..... ۲۱۹
- جدول ۴-۲۴. آزمون علامت مؤلفه‌های آغازگر فراگرد ملت‌سازی..... ۲۲۱
- جدول ۴-۲۵. آزمون علامت راهبردهای تداوم بخش فراگرد ملت‌سازی..... ۲۲۲
- جدول ۴-۲۶. پیامدهای فراگرد ملت‌سازی..... ۲۲۳
- جدول ۴-۲۷. آزمون علامت راهبردهای تداوم بخش فراگرد ملت‌سازی..... ۲۲۴
- جدول ۴-۲۸. جدول معنی داری آزمون فریدمن..... ۲۲۵
- جدول ۴-۲۹. جدول میانگین رتبه‌ها در آزمون فریدمن..... ۲۲۶
- جدول ۴-۳۰. جدول معنی داری آزمون فریدمن (راهبردهای تداوم بخش ملت‌سازی)..... ۲۲۷
- جدول ۴-۳۱. جدول میانگین رتبه‌های راهبردهای تداوم بخش ملت‌سازی در آزمون فریدمن..... ۲۲۷
- جدول ۴-۳۲. جدول معنی داری آزمون فریدمن (پیامدهای فراگرد ملت‌سازی)..... ۲۲۹
- جدول ۴-۳۳. جدول میانگین رتبه‌های پیامدهای فراگرد ملت‌سازی در آزمون فریدمن..... ۲۲۹
- جدول ۴-۳۴. جدول معنی داری آزمون فریدمن (چالش‌های فراگرد ملت‌سازی)..... ۲۳۰
- جدول ۴-۳۵. جدول میانگین رتبه‌های چالش‌های فراگرد ملت‌سازی در آزمون فریدمن..... ۲۳۰

## فهرست اشکال و نمودارها

عنوان	صفحه
نمودار ۱-۱. مهمترین مناطق استقرار اقوام عمده کشور .....	۱۴
شکل ۱-۲. نقشه ادبی پژوهش .....	۲۹
شکل ۲-۲. مدل اجتماعی - فرهنگی هویت ملی روسو .....	۵۱
شکل ۳-۲. مدل اجتماعی - فرهنگی ملت‌ها .....	۵۲
نمودار ۴-۲. مدل مفهومی برخاسته از مرور ادبیات .....	۱۳۴
شکل ۱-۳. نوع شناسی پژوهش .....	۱۳۸
نمودار ۲-۳. فراگرد انجام پژوهش .....	۱۶۸
نمودار ۱. مدل مفهومی برخاسته از فراگرد تحلیل متون .....	۱۹۱
شکل ۱-۴. چگونگی انتخاب اعضا پانل با استفاده از روش هدفمند و گلوله برفی .....	۱۹۶
شکل ۲-۴. فراگرد اجرای روش دلفی .....	۱۹۸
نمودار ۳-۴. پراکندگی نظر اعضای پانل درباره مدل پژوهش در دور اول دلفی .....	۲۰۲
شکل ۳-۴. مدل پژوهش، پس از اعمال اصلاحات دور اول دلفی .....	۲۰۷
نمودار ۴-۴. پراکندگی نظر اعضای پانل درباره مدل پژوهش در دور دوم دلفی .....	۲۱۱
شکل ۱-۵. الگوی ملت‌سازی در پرتو رویکرد حکمرانی خوب .....	۲۳۷

# فصل اول

# کلیات

فَإِذَا أَدَّتِ الرَّعِيَّةُ إِلَى الْوَالِي حَقَّهُ، وَ أَدَى إِلَيْهَا حَقَّهَا، عَزَّ الْحَقُّ بَيْنَهُمْ، وَقَامَتِ مَنَاهِجُ الدِّينِ، وَاعْتَدَلَتْ مَعَالِمُ الْعَدْلِ، وَجَرَّتْ عَلَى أَذْلَالِهَا السُّنُنُ، فَصَلَحَ بِذَلِكَ الزَّمَانُ، وَطُمِعَ فِي بَقَاءِ الدَّوْلَةِ، وَتَيَسَّتْ مَطَامِعُ الْأَعْدَاءِ.

زمانی که رعیت حق خود را نسبت به والی بگزارد و والی نیز حق خود را نسبت به رعیت ادا نماید، حق در میان آنها عزت یابد و پایه‌های دینشان استواری گیرد و نشانه‌های عدالت برپا گردد و سنتهای پیامبر ﷺ در مسیر خود افتد و اجرا گردد و در پی آن روزگار به صلاح آید و امید به بقای دولت قوت گیرد و دشمنان مأیوس گردند (نهج البلاغه، خطبه ۲۰۷).

## ۱-۱. مقدمه

صورت بندی هر پژوهشی به فراخور پرسش آغازین و هدف آن مستلزم طی طریق در مسیری معین و گذراندن گام‌هایی متوالی و هدفمند است، امری که به مثابه کلیات پژوهش بازشناسی می‌شود. از این رو، در این فصل کلیات پژوهش حاضر مورد بررسی قرار گرفته است.

در ابتدا مسأله تحقیق بیان شده، سپس موضوع و مفاهیم مرتبط با آن به صورت موجز و مختصر تشریح شده‌اند. در ادامه پس از بازبینی مسأله، ضرورت انجام پژوهش مورد بررسی و مذاقه قرار گرفته است، پس از آن نگاهی گذرا بر سؤالات، اهداف اساسی، و مدل مفهومی پژوهش خواهیم داشت. در امتداد بحث، روش‌شناسی پژوهش و زیر مجموعه‌های آن نظیر روش پژوهش، ابزار گردآوری اطلاعات، و روش‌های تجزیه و تحلیل داده‌ها مرور شده‌اند؛ در پایان نیز واژگان و اصطلاحات اختصاصی طرح تعریف و تبیین گردیده‌اند.

## ۱-۲. بیان مسأله

در طول تاریخ، ملت‌های بسیاری شکل گرفته‌اند؛ ملت‌هایی با مشخصه‌های گوناگون که گاه با تکیه بر ویژگی‌های مطلوب خویش رهنمای نسل‌های آینده شده و جوامع پس از خود را شکل داده‌اند و گاهی در قالب مللی فاقد تشکل و کم بهره از خردجمعی، به دلیل ضعف مدیریت و سوء تدبیر منقرض شده، از اذهان و یادها محو شده و به تاریخ پیوسته‌اند، و فقط برگه‌هایی از تاریخ به مثابه گزارشگران نسبی هویت، آداب و سنن، عقاید و باورها، فتوحات و شکست‌ها و فرهنگ آنان، باقی مانده‌اند. بنابراین سؤالی شکل می‌گیرد مبنی بر اینکه «چه عوامل و الزاماتی موجب می‌گردد که ملتی واحد و خردمند شکل گیرد؟».

هر ملت، یک موجودیت انتزاعی است که می‌توان آن را در قالب یک سیستم اجتماعی با بالاترین سطح پیچیدگی و اعضاء بی‌شمار تصور کرد؛ با توجه به تعدد و تنوع اعضاء هر ملت، سؤال این است که «چگونه و توسط چه کسانی می‌توان به پی‌ریزی ملتی با ویژگی‌های مطلوب نایل گشت؟»، «مهمترین مولفه شکل دهنده و اهم عوامل موجد یک ملت منسجم و خردمند کدامند؟»، و اینکه «چه کسانی حق دارند به این مهم اهتمام ورزند؟»؛ و حتی اینکه «آیا اساسا کسی حق دارد که به این موضوع پردازد و در این گونه امور مداخله نماید؟».

### ۱-۲. تشریح و بیان موضوع

هنگامی که بحث سرزمین به مثابه منشأ شکل‌گیری واحدهای سیاسی مجزا مطرح گردید، موضوع ملت به میان آمد تا مردم هر سرزمین بتوانند خود را در قالب یک اجتماع تخیلی، یک ملت واحد تصور نمایند؛ بنابراین می‌توان ملت را یک اجتماع تخیلی دانست که هر چند اعضاء آن چندان همدیگر را نمی‌شناسند و چندان یکدیگر را نمی‌بینند، اما بر این باورند که همگی عضو یک ملت واحد هستند (ر.ک. Anderson, 1997)؛ بنابراین، ملت گروهی از مردم است که به واسطه احساس خویشاوندی یا تبار مشترک، تصور تعلق به یک اجتماع گسترده را در ذهن خود پرورانده‌اند (قیصری، ۱۳۷۷، صص ۵۰-۴۹). ضمن اینکه واژه ملت به جامعه‌ای تاریخی دلالت دارد که نهادها و موجودیت‌هایش، از فرهنگ و زبانی مشترک برخوردارند و در قلمرو یا سرزمینی مشخص سکونت دارند.

در طول تاریخ، ملت‌ها برای تضمین آزادی، برابری، و استقلال و مصون ماندن از تعرضات دشمنان، بنا بر نوعی قرارداد اجتماعی، به نهادی به نام دولت مشروعیت بخشیدند؛ این نهاد متولی و تضمین‌کننده استقلال، آزادی، امنیت، و برابری در سطح اجتماع بود؛ همچنین میزان قدرت و اختیار واگذار شده به آن، حیطه عمل آن را مشخص می‌نمود.

دولت‌های باستانی و سنتی از جوامع مجزا با فرهنگ‌های محلی در لایه‌های زیرین جامعه و ساختار دولتی مجزا و منفک و به دور از مردم در لایه‌های فوقانی جامعه، تشکیل شده بودند. این دولت‌ها به جمع‌آوری مالیات‌ها و برقراری نظم قانع بودند. در جریان «ملت‌سازی» این دو حیطه مجزا و منفک به

یکدیگر نزدیک شده و روابط صمیمانه و هدفمندی میان آنها برقرار شد. اعضای اجتماعات محلی از طریق آموزش و مشارکت سیاسی وارد جامعه بزرگ‌تر شدند؛ از سوی دیگر، حاکمان دولتی، با ارائه خدمات وسیع و گسترش شبکه اجتماعی منسجم، حقوق و تکالیف خود را نسبت به اعضای جامعه گسترش دادند. بدین ترتیب رعایا و پیروان پادشاه به تدریج و به طور نامحسوس به شهروندان دولت - ملت تبدیل شدند، و فرهنگ‌های محلی و وفاداری به شخص پادشاه از میان رفت و وفاداری، تعهد و تعلق خاطر به دولت - ملت جایگزین آن شد. حیات و بقای دولت - ملت های تازه شکل گرفته، تابعی از انسجام و یکپارچگی اعضای ملت بود؛ انسجام و وحدتی که در خلال فراگرد ملت‌سازی محقق می‌گشت.

ملت‌سازی به مثابه یک مفهوم، نخستین بار میان دانشمندان علوم سیاسی آمریکایی، و مدتی پس از جنگ جهانی دوم رواج یافت. ملت‌سازی توصیفگر همگرایی و انسجام گسترده میان دولت و جامعه، و توسعه و بسط یک هویت مشترک است. این مفهوم با گذشت زمان و در خلال فراگردهای نظریه پردازی دستخوش تغییر شد، و صاحب‌نظران گوناگونی در مباحث خود با تأکید بر بعدی از ابعاد چندگانه آن، این فراگرد را مورد تأمل قرار دادند. برای مثال، دویچ بر نقش روابط اجتماعی و انسجام ملی در شکل دهی یک ملت تأکید کرده است؛ بندیکس بر بسط حقوق شهروندی و مشارکت سیاسی تأکید دارد (ر.ک. قوام و زرگر، ۱۳۸۸، ۲۱۳)؛ کونور ضمن تأکید بر ریشه‌های قومی ملت‌ها، بر نقش موثر گروه‌های قومی در فراگرد ملت‌سازی تأکید دارد (Connor, 1972)؛ اندرسون نیز با تأمل بر عناصر ذهنی موجد یک ملت، ضمن اشاره به این نکته که ملت نوعی جامعه تخیلی است بر نقش عوامل ذهنی در فراگرد ملت‌سازی تأکید دارد (Anderson, 2001).

ملت‌سازی و ارتقاء سطح انسجام و اتحاد، در بسیاری از کشورهای نامتجانس و ناهمگون، به مقوله‌ای جنجالی و پرمناقشه مبدل می‌شود؛ در جریان ملت‌سازی، به اقوام، نژادها و دیگر گروه‌های اجتماعی، به مثابه سازه‌های ایجادکننده نوعی اتحاد کلان، رسمیت بخشیده می‌شود و خط‌مشی‌های چند فرهنگی تضمین‌کننده حقوق فرهنگی، ارزشی و هنجاری اقلیت‌ها، مشروعیت می‌یابند (Bornman, 2006, 383). البته باید توجه داشت که عدم وجود ارزش‌ها، باورها، و مذهب و زبان مشترک، و پافشاری هر یک از



اقوام شکل دهنده یک ملت بر حفظ زبان مادری و اجرای سنن و آداب باستانی خود، موجب بروز نوعی ناهمسازی و تضعیف هویت مشترک و انسجام ملی می‌شود (Aguwa, 1997). از این رو، در فراگرد ملت‌سازی چند عامل مهم مدنظر قرار می‌گیرند:

**الف) هویت ملی.** واژه هویت به معنی چیزی است که موجب شناسایی شخص یا شیء خاصی می‌شود (مشیری، ۱۳۶۹، ۱۱۷۷). هویت شناسی در اصطلاح علمی، به معنای کیستی شناسی یا چیستی شناسی است. زمینه‌های ذهنی هویت، به صورت ناخودآگاه، در جریان تعاملات فرد با دیگران و به واسطه شناسایی آنان از فرد شکل می‌گیرد. ساختار هویت هر فرد، در جوانی پرداخته می‌شود، اما مصالح آن، در شناسایی‌های اولیه جامعه از هویت وی ساخته می‌شود. در حقیقت، افراد هویت خود را در روند اجتماعی شدن و جامعه‌پذیری و یا در طی تماس با دیگران کسب می‌کنند. دولت‌ها، حکومت‌ها و قدرت‌های سیاسی نیز می‌توانند در فراگردهای حفظ و تغییر هویت، نقشی محوری داشته باشند؛ به ویژه دولت‌ها می‌توانند برخی هویت‌های اسمی را برای دسته‌بندی مردم، به راحتی تغییر دهند، حفظ نمایند و یا حتی تحمیل کنند (Jenkins, 1996, 21-25).

جونز و اسمیت (۲۰۰۱) بر آنند که باید میان دو بعد هویت ملی تمایز قائل شد. نخستین بعد به تولد، توارث و سکونت در قلمروی خاص و پذیرش شهروندی، نژاد و سلاله و فرهنگ عام آن سرزمین اشاره دارد؛ بعد دوم مباحثی همچون احترام به قوانین، نهادها، و تعلقات و احساسات ملی را شامل می‌شود؛ هم‌افزایی موجود میان این دو بعد به شکل‌گیری هویتی واحد منجر می‌شود؛ هویتی که بسیاری از تمایزات و تفاوت‌های عمیق موجود میان گروه‌های متکثر را که به دلیل عوامل فرهنگی، زبان‌شناختی، مذهبی و پیشینه تاریخی گوناگون، رقیب و متعارض یکدیگرند، رفع نموده و وحدتی هدفمند را شکل می‌دهد (Bornman, 2006, 387). قابل تأمل است که در این تعریف تلویحاً بر تأثیر قدرت حکومت و ساختار قدرت بر شکل‌دهی هویت تأکید شده است. البته گاهی در جوامع متکثر، دولت با نمادها و تعلقات گروه‌های قدرتمند و ذی‌نفوذ بازشناسی می‌شود که این حالت موجب به حاشیه رانده شدن اقلیت‌ها و گروه‌های ضعیف و فاقد قدرت می‌شود و زمینه‌ساز بحران عدم تعلق شهروندان به دولت و عدم تمایل آنان به پیروی و تبعیت از قوانین دولتی می‌شود (Bornman, 2006, 386).

تضعیف هویت ملی ممکن است به بحران مشروعیت ملی مبدل شود؛ در جوامع متکثر و ناهمگون، عدم تعلق به یک «دولت - ملت» واحد موجب می‌شود که هر قوم و گروهی در پی ارزش‌ها و منافع خود باشد؛ تلاشی که به متمایزسازی و شکل‌گیری نوعی رقابت مستمر در عرصه اجتماع بدل می‌گردد و موجب بروز بحران مشروعیت می‌شود؛ از این رو، گاهی ملت‌سازی در جوامع متکثر، با دشواری‌هایی مواجه می‌شود؛ قابل تأمل است که در این جوامع معمولاً افراد «مجبور» می‌شوند که به عضوی از جامعه (ملتی واحد) مبدل شوند؛ بدیهی است که این اجبار نمی‌تواند دلیلی مناسب و موجه برای جلب وفاداری اقشار و گروه‌های گوناگون و متمایز جامعه باشد. ضمن اینکه معمولاً در این جوامع، عوامل متعددی وجود دارند که مانع حصول به اجماع و اتفاق نظر عمومی می‌شوند؛ برای مثال، گاهی ماهیت نمادهای ملی با تجارب تاریخی و ارزشی اقوام و گروه‌های تابعه تعارض پیدا می‌کنند؛ مقوله‌ای که به جای ایجاد هم‌افزایی، نوعی نیروی دافعه و عامل هم‌نیروگاهی<sup>1</sup> را وارد سیستم اجتماعی می‌کند (Scott & Davis, 2007, 101; Bornman, 2006, 386).

یک راه برای جلوگیری از بروز این گونه تعارضات، تلاش برای توسعه ملت بر مبنای فرهنگ و مجموعه ارزشی خاصی است که در یک جامعه نامتجانس و متکثر مقبولیت همگانی دارد؛ مثل تأکید بر دین اسلام در ایران. همچنین می‌توان ضمن احترام به باورها، ارزش‌ها و سنن همه گروه‌های تابعه‌ای که در مرزهای محصور یک کشور زندگی و فعالیت می‌کنند، هدفی واحد را سرلوحه عمل همه اتباع آن سرزمین و ملت قرار داد و با در نظر گرفتن مفهوم دولت - ملت و ملحقات آن، از طریق ملی‌سازی اقوام، به انسجام و وحدت دست یافت (A. J., 1997, 91-97)؛ وحدتی که لازمه آن، مشارکت عامه در رویکردی ارزش محور است؛ مشارکت همه جانبه آحاد جامعه برای تحقق ارزش‌هایی همچون استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی.

**ب) دولت واحد و هویت فراقومی.** در گذر زمان، گاهی واژگان ملت‌سازی و دولت‌سازی مترادف با یکدیگر به کار رفته‌اند. در نتیجه، از دیدگاه برخی از نظریه‌پردازان، ملت‌سازی تلاشی است برای ساخت حکومتی واحد؛ حکومتی که صرفنظر از دموکراتیک بودن یا نبودن، یک ویژگی بارز و متمایز کننده

---

1. Negative synergy

دارد: ویژگی ثبات؛ همان ثبات و پایداری که لازمه بقای هر سیستمی است ( Camara, 2007, 157 & HippeI, 2000, 96)؛ ثبات در ورای مقاطع زمانی. توجه به این نکته نیز مهم است که مطابق با قوانین بین‌الملل، یک دولت مستقل، باید از چندین مؤلفه برخوردار باشد؛ مؤلفه‌هایی که زمینه‌ساز تشکیل یک دولت - ملت واحدند: قلمرو و سرزمینی مشخص و تعریف شده؛ جمعیت؛ حکومتی مستقل، اثربخش، فعال و کارآمد؛ ظرفیت و توان لازم برای ورود و فعالیت در عرصه‌ها و روابط بین‌الملل (HippeI, 2000, 108).

به ویژه مهم این است که هویت این دولت مستقل، وابسته به وجود ملتی فعال در مرزهای محصور آن است (Camara, 2007, 156)؛ ملتی که در فراگرد ملت‌سازی تلاش می‌شود انسجام، وحدت، همبستگی، همسانی و تعلق خاطر و هویت‌یابی واحد و مشترک در آن نهادینه شود (Aguwa, 1997, 335). البته باید میان جوامع چند ملیتی و جوامع چند قومیتی تمایز قائل شد. در جوامع و دولت‌های چند قومیتی، مهاجرت‌های فردی و خانوادگی مستمر، به کثرت و تنوع فرهنگی و ارزشی منتج می‌شود؛ اما در جوامع و دولت‌های چند ملیتی، اکثریت غالب با ملتی واحد است؛ ملتی که از نظر سیاسی و اقتصادی بر سایر ملت‌ها تفوق می‌یابد؛ البته باید توجه داشت که این غلبه به معنای نفی اقلیت‌ها یا عدم تعلق و عدم وفاداری اقلیت‌ها به جامعه سیاسی اکثریت نیست (Bornman, 2006, 388). مانند اتحاد جماهیر شوروی سابق که در آن هر یک از اقوام با وضعیتی متمایز قابل شناسائی بودند. به هر حال، در استراتژی‌های ملت‌سازی، در تلاش برای خلق هویتی فرا قومی که باید جایگزین خرده‌فرهنگ‌ها و خرده هویت‌های ملی شوند، معمولاً بر مفهوم "ملت واحد" یا "دولت واحد" تأکید می‌شود (Bornman, 2006, 385).

**ج) زبان.** در فراگرد ملت‌سازی نباید از نقش زبان غافل شد؛ زبان و دستگاه واژگان ابزاری قوی است که ذهنیات آدمیان را آفاقی می‌کند و بدین نحو به تقارب اذهان می‌انجامد؛ ضمن اینکه زبان در تعیین مشخصه‌های هویت ملی و اتحاد همگانی نقشی اساسی ایفا می‌کند؛ برای درک تعارضات و مشترکات، وجود زبانی واحد که مشکلات ارتباطی و تعاملی را رفع کرده و از مقوله‌ای واحد، مفهومی واحد را به

اذهان متبادر کند، ضروری است؛ از این رو شاید بتوان وجود زبان مشترک را مقدمه هماهنگی و عزم ملی برای تحقق هدف مشترک دانست (Hailemariam et al, 1999, 475-493; Caviedes, 2003, 250-252).

**د) دموکراسی و چند صدائی.** برخی از صاحب نظران بر آنند که در عصر حاضر، ملت سازی دال بر تلاشی است که به منظور خلق دولت‌هایی دموکرات و ایمن صورت می‌پذیرد؛ بنابراین می‌توان دموکراتیزه کردن را بخشی مؤثر از فراگرد ملت سازی دانست که موجب انسجام و هماهنگی می‌شود (Hippel, 2000, 96). ضمن اینکه تحکیم اتحاد ملی، ملت سازی و هماهنگ سازی فراگیر، از چند طریق امکان پذیر است:

- توسعه دموکراتیک، مشارکت و تمهید شرایط چندصدایی و آزادی بیان (Bendix, 1977)؛
- توانمندسازی جامعه مدنی و تقویت نهادهای دموکراتیک (Deutsch, 1963)؛
- هماهنگ نمودن فعالیت‌های اقوام و گروه‌های گوناگون و متمایز فعال در جامعه (Francis, 1968; Sheth, 1989)؛
- استقرار امنیت (Hamburg, 2002)؛
- توجه به دیدگاه‌های دیگران و تلاش برای درک دلایل انتقادات آنان، شناسایی مشکلات درونی و برونی، و موانع اتحاد ملی، و تلاش برای فائق آمدن بر این عوامل؛
- توسعه امکان تبادل نظرها و ایده‌ها در سطحی وسیع و تلاش برای زمینه سازی تحقق اجماع و اتفاق نظر همگانی، و استفاده از رسانه‌ها (Hippel, 2000, 104-110).

هر یک از این مؤلفه‌ها، در برخی از سطوح عملیات ملت سازی و ایجاد ثبات، صلح و امنیت، نقشی اثرگذار دارند و وجود هر یک، این نوید را می‌دهد که می‌توان جهت حصول به رسالت‌ها و اهداف آتی، به هم افزایی بیشتری امیدوار بود. از این رو، امروزه حکومت‌ها با برخورداری از تسهیلات فراوان و نهادهای دولتی متولی امور گوناگون، برای توسعه وحدت و همبستگی میان آحاد یک جامعه و ارتقا سطح درک متقابل آنان از باورها، مذاهب و آئین‌های متنوع و بعضاً متعارض یکدیگر، نقشی اساسی و سرنوشت ساز ایفا می‌نمایند (Aguwa, 1997, 345).